

فرماندهی که علمدار لشکرش شد



شهید حسین خرازی یکی از فرماندهان برجسته 8 سال دفاع مقدس که "خورشید شلمچه" لقب گرفته است با وجود اینکه دست راستش را در عملیات خیبر تقدیم کرد اما تا زمان شهادت در جبهه ها حضور داشت.

جام جم آنلاین: شهید حسین خرازی یکی از فرماندهان برجسته 8 سال دفاع مقدس که "خورشید شلمچه" لقب گرفته است با وجود اینکه دست راستش را در عملیات خیبر تقدیم کرد اما تا زمان شهادت در جبهه ها حضور داشت. سردار سرلشکر پاسدار حسین خرازی به سال 1336 ه.ش. در یکی از محله‌های شهر اصفهان به نام "کوی کلم" در خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشود. او از همان آغاز کودکی به همراه پدر بزرگوارش در مسجد محل معروف به "مسجد سید" به عنوان مؤذن و مکبر فعالیت می‌کرد. حسین در کنار دروس مدرسی لحظه‌ای از آموزش مسائل دینی غافل نبود و به تدریج نیز نسبت به امور سیاسی آشنایی بیشتری پیدا کرد و در شرایط فساد و خفقان دوران طاغوت گرایش زیادی به مطالعه جزوه‌ها و کتب اسلامی نشان داد.

حسین در سال 1355 پس از اخذ دیپلم طبیعی به سربازی اعزام شد. در مشهد ضمن گذراندن دوران سربازی فعالانه به تحصیل علوم قرآنی در مجامع مذهبی مبادرت ورزید. در سال 1357 به دنبال صدور فرمان حضرت امام خمینی(ره) مبنی بر فرار سربازان از پادگانها و سربازخانه‌ها، او و برادرش هر دو از خدمت سربازی فرار کردند و به خیل عظیم امت اسلامی پیوستند. آنها در این مدت، دائماً در تکاپوی کار انقلاب و تشکل انقلابیون محل بودند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی شهید حاج حسین خرازی درگیر فعالیت در کمیته انقلاب اسلامی، مبارزه با ضد انقلاب داخلی و جنگهای کردستان بود و لحظه‌ای آرام نداشت. به خاطر روحیه نظامی و استعدادی که در این زمینه داشت مسئولیتهایی را در اصفهان پذیرفت و با شروع فعالیت ضدانقلابیون در گنبد مأموریتی به آن خطه داشت.

شهید حاج حسین خرازی در اوج درگیریهای کردستان و بعد از رشادتهایی که در آزادسازی شهر سنندج (همراه با شهید علی رضاییان فرمانده قرارگاه تاکتیکی حمزه) از خود نشان داد در سمت فرماندهی گردان ضربت که قویترین گردان آن زمان محسوب می‌شد وارد عمل شد و در آزادسازی دیگر شهرهای کردستان از قبیل دیواندره، سقز، بانه، مریوان و سردشت نقش مؤثری را ایفا نمود و با تدابیر نظامی، بیشترین ضربات را به ضدانقلاب وارد آورد.

شهید خرازی با شروع جنگ تحمیلی بنا به تقاضای هم‌زمان خود پس از یک‌سال خدمت صادقانه در کردستان راهی خطه جنوب شد و به سمت فرمانده اولین خط دفاعی که مقابل عراقیها در جاده آبادان-اهواز در منطقه "دارخوین" تشکیل شده بود (و بعداً در میان رزمندگان اسلام، به #171;خط شیر" معروف شد) منصوب گشت. خطی که نه ماه در برابر مزدوران عراقی دفاع جانانه‌ای را انجام داد و دلورانی قدرتمند را با وجود کمبود امکانات نظامی تربیت کرد.

در عملیات شکست حصر آبادان فرماندهی جبهه دارخوین را به عهده داشت و رزمندگان توانستند دو پل "حفار" و "مارد" را که عراقیها با نصب آن دو پل بر روی رود کارون آبادان را محاصره کرده بودند به تصرف درآورند.

شهید خرازی در آزاد سازی "بستان" بهترین مانور عملیاتی را با دور زدن دشمن از چزابه و تپه‌های رملی و محاصره کردن آنها در شمال منطقه بستان انجام داد و پس از عملیات پیروزمندانه "طریق القدس"، "تیپ امام حسین(ع)" رسمیت یافت.

وی در عملیات "فتح المبین" دشمن را در جاده "عین خوش" با همان تدبیر فرماندهی اش حدود 15 کیلومتر دور زد و یگان او در عملیات "بیت المقدس" جزو اولین لشکرهایی بود که از رود کارون عبور کرد و به جاده اهواز- خرمشهر رسید و در آزاد سازی خرمشهر نیز سهم به‌سزایی داشت. از آن پس در عملیتهای مختلف همچون رمضان، والفجر مقدماتی، والفجر 4 و خیبر در سمت فرماندهی لشکر امام حسین(ع)، به همراه رزمندگان دلور آن لشکر، رشادتهای بسیاری از خود نشان داد.

در عملیات "خیبر" که توأم با صدمات و مشقات زیادی بود، دشمن منطقه را با انواع و اقسام جنگ افزارها و بمبهای شیمیایی مورد حمله قرار داد، اما شهید خرازی هرگز حاضر به عقب نشینی و ترک موضع خود نشد تا اینکه در این عملیات یک دست او در اثر اصابت ترکش قطع گردید و پیکر زخم خورده او به عقب فرستاده شد.

در عملیات "الفجر 8" لشکر امام حسین(ع) تحت فرماندهی شهید خرازی به عنوان یکی از بهترین یگانهای عمل کننده لشکر گارد

جمهوری عراق را به تسلیم واداشت و پیروزیهای چشمگیری را در منطقه "فاو" و "کارخانه نمک" که جزو پیچیده ترین مناطق جنگی بود به دست آورد.

در عملیات "کربلای 5" در جلسه ای با حضور فرماندهان گردانها و یگانها از آنان بیعت گرفت که تا پای جان ایستادگی کنند و گفت: هرکس عاشق شهادت نیست از همین حالا در عملیات شرکت نکند، زیرا که این یکی از آن عملیاتیهای عاشقانه است و از حسابهای عادی خارج است.

لشکر او در این عملیات توانست با عبور از خاکریزهای هلالی که در پشت "نهر جاسم" از کنار اروندرود تا جنوب کانال ماهی ادامه داشت شکست سختی به رژیم بعث عراق وارد آورد. عبور از این نهر بدان جهت برای رزمندگان مهم بود که علاوه بر تثبیت مواضع فتح شده، عامل سقوط یکی از دژهای شرق بصره بود که در کنار هم قرار داشتند.

شهید سرلشکر پاسدار حسین خرازی سرانجام در عملیات کربلای 5 زمانی که در اوج آتش توپخانه دشمن رساندن غذا به رزمندگان با مشکل مواجه شده بود خود پیگیر جدی این کار شد که در همان حال خمپاره ای در نزدیکی اش منفجر شد و روح عاشورایی او به ملکوت اعلی پرواز کرد و این سردار بزرگ در روز هشتم اسفند ماه 1365 در جوار قرب الهی ماوا گزید.

خانواده شهید خرازی نمونه ای از بسیاری از خانواده های ایرانی هستند که فرزندان همراه پدر به جبهه های نبرد رهسپار شدند. حاج کریم خرازی دهکردی پدر شهید حسین خرازی از جانبازان هشت سال دفاع مقدس بود که در ایجاد یگان لجستیک در تیپ 14 امام حسین (ع) نقش به سزایی ایفا کرد و در عملیات والفجر 10 مجروح شد و بعد از شهادت پسرش حسین همواره در جبهه ها حضور می یافت و سرانجام در اردیبهشت سال 86 روح ملکوتی اش به کاروان شهدا و فرزند بزرگوارش پیوست.